



Economic Effect of Public Law and its Development on Society

Hassan Hamzelo¹, Maghsoud Ranjbar^{2*}, Mohammad Taghi Dashti³

1. PhD Student in Public Law, Department of Political Science, Faculty of Political Science, Qom Branch, Islamic Azad University, Qom, Iran.

2. Assistant Professor Department of Political Science, Qom Branch, Islamic Azad University, Qom, Iran.

3. Assistant Professor Department of Public Law, Imam Baqer University (AS), Tehran, Iran.

ARTICLE INFORMATION

Article Type: Original Research

Pages: 265-281

Article history:

Received: 31 Mar 2022

Edition: 9 Jun 2022

Accepted: 17 Aug 2022

Published online: 24 Sep 2022

Keywords:

Public Law, Development, Property, Free Market, Competition Law

Corresponding Author:

Maghsoud Ranjbar

Address:

Department of Political Science,
Qom Branch, Islamic Azad
University, Qom, Iran.

Orchid Code:

0000-0003-2521-9706

Tel:

09124533378

Email:

maghsoudranjbar@gmail.com

ABSTRACT

Background and Aim: The economic dimensions of public law is one of the important issues affecting development, this paper attempts to investigate its effect on society.

Materials and Methods: This paper is a descriptive-analytical and the library method is used.

Ethical considerations: In this paper, the originality of the texts, honesty, and trustworthiness have been observed.

Results: Public law and its development are very effective on society from an economic point of view. The economic dimensions of public law, including the protection of property institution, the strengthening of economic freedoms, and the guarantee of proportionality and equality in the development program on the development of public law, and consequently the development of influential society. When the principle of personal property is upheld, the freedom of trade and the free market prevail in order to respect the rights of individuals, and government interference is greatly restricted, the rights to competition and equality in business are accepted, the economic dimensions of public law are developed and this has positive effects on the development of society.

Conclusion: The economic effect of public law is one of the important issues that need to be taken into consideration in the development process of society. The development of society is not possible without the development of economic public law. For development, first, it is necessary to provide the grounds for the development of economic public law such as competition law, free trade and non-intervention of the government, and full support for principles such as the principle of ownership.

Cite this article as:

Hamzelo H, Ranjbar M, Dashti MT. Economic Effect of Public Law and its Development on Society. *Economic Jurisprudence Studies*. 2022; 4(3):265-281.



فصلنامه مطالعات فقه اقتصادی، دوره چهارم، شماره سوم، پاییز ۱۴۰۱

تأثیر اقتصادی حقوق عمومی و توسعه آن بر جامعه

حسن حمزه لوثی^۱، مقصود رنجبر^۲، محمد تقی دشتی^۳

۱. دانشجوی دکتری حقوق عمومی، گروه علوم سیاسی، دانشکده علوم سیاسی، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران.

۲. استادیار گروه علوم سیاسی، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران.

۳. استادیار گروه حقوق عمومی، دانشگاه امام باقر (ع)، تهران، ایران.

چکیده

زمینه و هدف: ابعاد اقتصادی حقوق عمومی از موضوعات مهم تأثیرگذار بر توسعه است که در این مقاله تلاش شده تأثیر آن بر جامعه بررسی شود.

مواد و روش‌ها: مقاله توصیفی تحلیلی بوده و از روش کتابخانه‌ای استفاده شده است.

ملاحظات اخلاقی: در این مقاله، اصالت متون، صداقت و امانت‌داری رعایت شده است.

یافته‌ها: حقوق عمومی و توسعه آن از منظر اقتصادی بر جامعه بسیار تأثیرگذار است.

ابعاد اقتصادی حقوق عمومی اعم از حمایت نهاد مالکیت، تقویت آزادی‌های اقتصادی و تضمین تناسب و برابری بر توسعه حقوق عمومی، و به دنبال آن توسعه جامعه تأثیرگذار است. زمانی که اصل مالکیت شخصی مورد حمایت است. آزادی تجارت و بازار آزاد در راستای رعایت حقوق افراد حکم‌رفا شود و دخالت‌های دولت تا حد زیادی محدود گردد؛ حقوق رقابت و برابری در کسب و کار پذیرفته شود، ابعاد اقتصادی حقوق عمومی توسعه یافته و این امر تأثیرات مثبتی بر توسعه جامعه دارد.

نتیجه: تأثیر اقتصادی حقوق عمومی از موضوعات مهمی است که لازم است در فرایند توسعه جامعه مدنظر قرار گیرد. توسعه جامعه بدون توسعه حقوق عمومی اقتصادی امکان پذیر نیست. برای توسعه ابتدا باید بسترهای توسعه حقوق عمومی اقتصادی نظیر حقوق رقابت، تجارت آزاد و عدم مداخله دولت و حمایت کامل از اصولی چون اصل مالکیت را فراهم کرد.

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۲۸۱-۲۶۵

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۱/۱۱

تاریخ اصلاح: ۱۴۰۱/۰۳/۱۹

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۵/۲۶

تاریخ انتشار: ۱۴۰۱/۰۷/۰۲

واژگان کلیدی:

حقوق عمومی، توسعه، مالکیت، بازار آزاد، حقوق رقابت.

نویسنده مسوول:

مقصود رنجبر

آدرس پستی:

ایران، قم، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد قم، گروه علوم سیاسی.

تلفن:

۰۹۱۲۴۵۳۳۳۷۸

کد ارکید:

0000-0003-2521-9706

پست الکترونیک:

maghsoodranjbar@gmail.com

۱. مقدمه

پرداخته است (ویژه و مهدوی آزاد، ۱۳۹۴). خیرالله پروین و مهدیه صانعی نیز، در مقاله‌ای از تحلیل حقوقی مداخله یا عدم‌مداخله دولت‌ها در نظام توسعه در حقوق اقتصادی عمومی بحث کرده‌اند (پروین و صانعی، ۱۳۹۹). همچنین مهناز بیات کمیتکی و احسان موهبتی، در مقاله‌ای، حکمرانی خوب به‌مثابه هدف مشترک حقوق عمومی و توسعه را بررسی کرده‌اند (بیات کمیتکی و موهبتی، ۱۴۰۱). اما ابعاد اقتصادی حقوق عمومی و تأثیر آن جامعه چندان مورد توجه قرار نگرفته است. در مقاله حاضر تلاش شده به این موضوع مهم پرداخته شود. سؤال اساسی این است که حقوق عمومی و توسعه آن از منظر اقتصادی چه تأثیری بر جامعه دارد؟ فرضیه مقاله چنین است «توسعه حقوق عمومی از طریق تقویت آزادی‌های اقتصادی، حمایت از نهاد مالکیت و برابری در توسعه جامعه تأثیرگذار است». به‌منظور بررسی سؤال و فرضیه مورد اشاره ابتدا به بحث ابعاد اقتصادی حقوق عمومی و توسعه آن پرداخته‌شده و در ادامه از تأثیر توسعه ابعاد اقتصادی حقوق عمومی بر جامعه بحث شده است.

۲. مواد و روش‌ها

مقاله توصیفی تحلیلی بوده و از روش کتابخانه‌ای استفاده شده است.

۳. ملاحظات اخلاقی

در این مقاله، اصالت متون، صداقت و امانت‌داری رعایت شده است.

حقوق عمومی درصدد تنظیم روابط میان فرمان-روایان و فرمان‌بران است و به تنظیم قدرت و اقتدارات حکومتی و همچنین تضمین آزادی‌های عمومی می‌پردازد و قدرت نیز همانند میل به توسعه انسان سیری‌ناپذیر و قامت آزادی و حق‌های بشری همیشه نحیف و آسیب‌پذیر است و این شاخه از حقوق عمومی همان‌طور که از نام آن پیداست در جهت ترجیح منافع عموم بر منافع اشخاص است. شکل‌گیری حقوق اقتصادی عمومی محصول اجتناب‌ناپذیر موضوعاتی چون توسعه از دیدگاه‌های متنوع و ترکیبی می‌باشد تا علم حقوق را در مواجهه با سیاست مفهوم توسعه یاری نماید (پروین، ۱۳۹۳، ۱۷۶). بررسی تأثیر اقتصادی حقوق عمومی و توسعه آن می‌تواند در سیاست‌گذاری کلان و خرد دولت‌ها و بازار و اجتماعی نقش‌آفرینی نماید. درواقع بررسی تأثیر اقتصادی حقوق عمومی و توسعه آن از این جهت ضرورت می‌یابد که با در اختیار گذاشتن نتایج آن به مسئولین و نهادهای کشوری مرتبط، می‌توان راهکارهای لازم را در جهت کاهش مشکلات و خلأهای قانونی و تصویب قوانین جامع و اصلاح‌گر متناسب با ساختار توسعه پیشرو، همچنین آموزش توسعه متوازن در راستای اصول حقوق اقتصادی عمومی کشور فراهم نمود. تألیفات زیادی در خصوص حقوق عمومی و توسعه آن انجام شده است: محمدرضا ویژه و مهدی مهدوی زاهد، در مقاله‌ای، به آسیب‌شناسی آموزش و توسعه حقوق عمومی در ایران به مثابه دانشی راهبردی

۴. یافته‌ها

شامل سه دوره متمایز می‌باشد: دوره مداخله‌گرایی، دوره خصوصی‌سازی، دوره تنظیمی (مؤذنی، ۱۳۹۱، ۲۸-۲۲)، تقسیم مزبور صرفاً براساس تغییر در نوع مداخلات قوای عمومی در اقتصاد نیست بلکه تحول در نظارت قضایی بر اعمال موضوع حقوق اقتصادی عمومی در این تقسیم‌بندی نقش اساسی دارد. دوره طلایی حقوق اقتصادی عمومی مربوط به دوره مداخله‌گرایی قبل از دهه ۸۰ میلادی در اکثر کشورهای اروپایی است. دوره‌ای که بعد از جنگ جهانی شروع شده و تا اواسط دهه مذکور به طول انجامیده است. مهم‌ترین ابزار دگرگونی در حقوق اقتصادی عمومی سنتی، خصوصی‌سازی بود. البته تا حدودی هم مقررات-زدایی نقش ایفا نمود. در اثر واگذاری‌های گسترده‌ی سهام شرکت‌های بزرگ دولتی به بخش خصوصی، اقتصاد دولتی به اقتصاد مختلط مبدل شد. جنبش مقررات‌زدایی و خصوصی‌سازی که چالش اساسی در ساختار قبلی حقوق اقتصادی عمومی به وجود آورده بودند، موجب توسل به ایده جدید خود، یعنی حقوق عمومی تنظیمی گردیده است (مؤذنی، ۱۳۹۳، ۴۱-۳۷). حقوق اقتصادی عمومی بخشی از حقوق اقتصادی است. در حقوق اقتصادی عمومی، چارچوب حقوقی مداخله قوای عمومی، در موضوعات اقتصادی مطرح و تبیین می‌شود و به‌واقع در این گرایش حقوق، اصول و قواعد خاص و ویژه‌ای برای تأمین منافع عمومی مطرح می‌شود. البته لازم به ذکر است که این قواعد در حوزه قواعد و اصول حقوق خصوصی نمی‌باشد. حقوق عمومی در بطن حقوق اقتصادی باوجود

حقوق عمومی و توسعه آن از منظر اقتصادی بر جامعه بسیار تأثیرگذار است. ابعاد اقتصادی حقوق عمومی اعم از حمایت از نهاد مالکیت، تقویت آزادی‌های اقتصادی و تضمین تناسب و برابری در برنامه توسعه بر توسعه حقوق عمومی، و به دنبال آن توسعه جامعه تأثیرگذار است. زمانی که اصل مالکیت شخصی مورد حمایت است. آزادی تجارت و بازار آزاد در راستای رعایت حقوق افراد حکمرفا شود و دخالت‌های دولت تا حد زیادی محدود گردد؛ حقوق رقابت و برابری در کسب و کار پذیرفته شود، ابعاد اقتصادی حقوق عمومی توسعه‌یافته و این امر تأثیرات مثبتی بر توسعه جامعه دارد.

۵. بحث**۵-۱. حقوق اقتصادی عمومی**

حقوق اقتصادی عمومی، کامل‌ترین و مناسب‌ترین ابزار در دست دولت در جهت نیل به اصلاح کاستی‌های بازار می‌باشد. حقوق اقتصادی عمومی نوعی نظارت است که با تهدید به اعمال ضمانت‌های اجرایی توسط قدرت عمومی اجرا می‌شود و سازوکار کاملاً امری می‌باشد که در صورت عدم رعایت آن‌ها، مجازات‌هایی را برای شخص در پی خواهد داشت (باقری، ۱۳۸۵، ۵۴). دولت‌ها سعی می‌کنند با استفاده از این ابزار ضمن اصلاح بازار، رفتارهای افراد و کنشگران اقتصادی را جهت داده، تغییر دهند و یا محدود کنند (علاء‌الدینی، ۱۳۹۱، ۹۸). حقوق اقتصادی عمومی

است. یعنی دولت نقش بسیار محدودی به انجام وظایف کلاسیک دارد. معمولاً این دولت برای تأمین امنیت خارجی، ارتشی را اداره می‌کند و برای تأمین امنیت داخلی، نیروی پلیس را به وجود می‌آورد. همچنین مجموعه‌ای از قوانین را برای تنفیذ و تضمین حقوق مالکیت خصوصی و قراردادهای میان افراد، برقرار می‌سازد و اجرای آن را به عهده می‌گیرد. دولت برای سهولت مبادلات، استانداردها، مقیاس‌ها و معیارهای اندازه‌گیری را تعیین و لازم‌الاجرا می‌کند. در حقوق ایران به‌موجب آخرین مصوبات راهبردی، مثل قانون سیاست‌های کلی اصل ۴۴، که متضمن محدودیت در ورود دولت در بازار و اقتصاد است، تصویب شده است. به‌گونه‌ای که اولاً فعالیت‌های اقتصادی موجود دولت ایران با سرعت به بخش غیردولتی واگذار گردد و در آینده نیز دولت بدون اجازه قانون‌گذار حق ورود و تصدی به فعالیت اقتصادی را نداشته باشد (رنانی، ۱۳۸۹، ۱۰۶).

در نظام حقوقی ایران، براساس آخرین مقررات قانونی، دولت در ورود به بازار و انجام فعالیت‌های اقتصادی محدود شده است. و در موارد خاص کسب مجوز قانونی برای انجام فعالیت‌های اقتصادی دولت، ضروری است. اما وقتی دستگاه دولتی ایران اقدام به فعالیت اقتصادی نماید، دارای امتیازات ویژه مثل نرخ‌گذاری خارج از شبکه اقتصادی (ماده ۹۰ قانون صنفی)، و تملک اراضی دیگران و... است در حقوق ایران، امتیازاتی که برای بخش دولتی مطرح شده است تماماً در مورد شرکت‌های دولتی نیز صادق است. از سوی دیگر از آنجا که

به‌کارگیری برخی قواعد حقوق خصوصی، خود را کاملاً از حقوق خصوصی حفظ می‌نماید.

۵-۲. توسعه حقوق عمومی اقتصادی

در این قسمت به بررسی ابعاد اقتصادی توسعه حقوق عمومی پرداخته می‌شود. اصل آزادی تجارت، حق مالکیت و حقوق رقابت مهم‌ترین اصول و مولفه‌های اقتصادی توسعه حقوق عمومی است.

۵-۲-۱. اصل آزادی تجارت

اصل آزادی تجارت یا بازار آزاد یکی از مهم‌ترین فرض اقتصاد مدرن در گردش گسترده اقتصادی و مبادلات در بازار است. اما خود مبادله یا آزادی اقتصادی، در اکثر قوانین اساسی واجد ارزش حقوق اساسی شده است. اصل مذکور بسیار گسترده و آزادی‌های مختلفی تحت آن قابل طرح است. مثل آزادی انتخاب حرفه، آزادی معاملات، آزادی قیمت‌گذاری کالا و خدمات، مدیریت آزاد بنگاه تجاری و رقابت و... همه اصول و حقوق اقتصادی مذکور ابعاد متنوع اصل آزادی تجارت و صنعت هستند و همانند حلقه‌های زنجیری به یکدیگر متصل هستند. اما همانند دیگر اصول در حقوق اقتصادی عمومی، قوای عمومی به دلایل مختلف چارچوب اعمال آزادی تجارت و صنعت را تعیین و در برخی مواقع دامنه اصل را به‌شدت محدود می‌نمایند (احمدزاده بزاز، ۱۳۷۹، ۳۲).

دولت در نظام بازار آزاد یا سیستمی که آزادی تجارت در آن حکم‌فرماست با عدم مداخله مواجه

منابع ارزی و بانکی کشور عمدتاً در اختیار بخش دولتی است و شرکت‌های دولتی معمولاً با ارائه‌ی ضمانت‌های بدون وثیقه، از اعتبارات بانکی برای اجرای طرح‌های خود استفاده می‌نمایند و همچنین شرکت‌های دولتی می‌توانند برای اجرای طرح‌های خود از قانون تملک اراضی، املاک اشخاص را تملک نمایند (مؤذنی، ۱۳۹۳، ۲۳۲). و با لحاظ ماده ۹۰ قانون صنفی که شرکت‌های دولتی را از رعایت نرخ‌گذاری بخش خصوصی معاف نموده است. جمع این امتیازات موجب می‌شود که شرایط برابری برای فعالیت بنگاه‌های خصوصی با دولتی و حتی با نهادهای عمومی غیردولتی وجود نداشته باشد در این خصوص لازم به ذکر است قانون اجرای اصل ۴۴ نه‌تنها این نابرابری را کاهش نداده است بلکه با خاص کردن مداخلات دولت در فعالیت‌های اقتصادی بر تشدید نابرابری مذکور افزوده است.

۵-۲-۲. اصل مالکیت

مالکیت عبارت است از اسناد یک دارایی یا توانایی به شخصی حقیقی یا حقوقی در یک دوره زمانی معین می‌باشد. اما حقوق مالکیت، چگونگی نفع یا ضرر رساندن از طریق یک دارایی یا توانایی را به خود یا دیگران، تصریح می‌کند (رنانی، ۱۳۸۹، ۲۸۷). دسوتو در تعریف حقوق مالکیت، بیان می‌کند: «منظور از مالکیت، همه حقوق شخصی و واقعی است که به دارنده آن استحقاق انحصاری و لاینفک بر آن‌ها می‌دهد به عبارت دیگر، قدرت بهره‌مندی آزادانه از آن‌ها، خلاص شدن آزادانه از آن‌ها با استفاده از آن‌ها با محروم کردن آن‌ها و یا

با محدود کردن دیگران است (دسوتو، ۱۳۸۵). حدود و ثغور مالکیت خصوصی و عمومی در ایران مانند بسیاری از کشورهای دیگر تابعی از معادله تعامل دولت و اقتصاد است. در ایران مهم‌ترین سند تاریخی تعیین‌کننده این تعامل اصولی، قانون اساسی و مقدمه آن می‌باشد که تعیین‌کننده اهداف بنیادین و بلندمدت از نظر اهداف اقتصادی است.

از جمله مبانی مهم ارائه‌شده برای مالکیت، نظریه آزادی می‌باشد. لذا اگر آزادی مبنای مالکیت شود، این قدرت اقناعی را به مالکیت می‌بخشد. به دلیل پیوند مالکیت با آزادی است که مالکیت را حقی مقدس به‌شمار می‌آورند. مالکیت امری اعتباری می‌باشد و وجود آن تابع وضع جامعه است و یک جامعه معقول هر امری را وضع نمی‌کند مگر آنکه توجیهی داشته باشد. با پذیرش مالکیت فردی، قسمتی از منابع جامعه صرف حمایت از مالکان می‌شود. آزادی از جمله مبانی مهمی است که امکان توجیه مالکیت را فراهم می‌کند و البته مالکیت نیز پشتوانه آزادی می‌باشد (کاتوزیان و پیلوار، ۱۳۹۳، ۵۴).

در اصول مختلف قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به مبحث مالکیت پرداخته شده است. عمده نویسندگان، اصل ۲۲ قانون اساسی را مهم‌ترین مبنای حرمت مالکیت در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران دانسته‌اند و آن را تضمین‌کننده حقوق تمام ایرانیان، اعم از مسلمان و غیرمسلمان و حتی شهروندانی که به‌عنوان اقلیت رسمی شناخته نشده‌اند، شمرده‌اند (مهرپور، ۱۳۹۳، ۵۵-۵۶). در کنار اصل ۲۲، اصل ۴۷ نیز از جمله اصول

می‌دارد: بخش خصوصی شامل آن قسمت از کشاورزی و دامداری و صنعت و تجارت می‌شود که مکمل فعالیت‌های اقتصادی دولتی و تعاونی است (هاشمی، ۱۳۹۱، ۱، ۳۸۴-۳۵۲). بنابراین با توجه به احکام قانون اساسی تا سال ۱۳۸۴ تقریباً نظام جمهوری اسلامی ایران از دو ابزار مهم تحدید و بسط مالکیت خصوصی (ملی‌سازی و خصوصی‌سازی) در فعالیت‌هایی که مربوط به صدر اصل ۴۴ قانون اساسی بود، محروم مانده بود و تنها ابزاری که قانون‌گذار در سال ۷۹، طی قانون برنامه سوم اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی به آن دست یافته بود، گشایش فضا برای حضور بخش خصوصی به‌موازات بخش دولتی در پاره‌ای از فعالیت‌های صدر اصل ۴۴ بود (مؤذنی، ۱۳۹۳، ۱۷۲-۱۷۰). ناکارآمدی اقتصاد دولت‌محور، باعث شد که مجموعه قوای حکومتی، در قالب سیاست‌های کلی نظام، تحولاتی در حدود و ثغور مالکیت دولتی، به عمل آورند که با عقلانیت و سیاست‌های متداول امروزی نیز هماهنگی به وجود آورند.

۵-۲-۳. حقوق رقابت

از جمله مکانیزم‌های حقوقی مؤثر، حقوق رقابت است که دولت به‌وسیله آن می‌تواند، نابرابری‌هایی که حقوق خصوصی به‌عنوان تسهیلگر در حوزه سیاست‌های مرتبط با منابع، قادر به پاسخ به نیست را با سیاست‌های عمومی و خط‌مشی‌گذاری‌های مبتنی بر مبانی و اصول حقوق رقابت رفع نماید و رقابت را برای افزایش رفاه و برابری تشویق نماید. به‌عبارتی، آشتی و همکاری حقوق خصوصی با

تضمین‌کننده حق مالکیت در قانون اساسی ایران است. اگرچه شورای نگهبان به اصل ۲۲ برای حمایت از مالکیت استناد نکرده ولی ۸ بار برای تضمین حق مالکیت، به اصل ۴۷ به‌طور خاص استناد کرده است (ویژه، ۱۳۸۸، ۲۱۳).

حق مالکیت خصوصی به‌موجب اصل ۴۶ قانون اساسی در حقوق ایران به رسمیت شناخته شده است. اگر مالکیت از طریق مشروع حاصل شده باشد، سلب آن به هر دلیلی غیرموجه است لذا در صدر اصل ۴۴ قانون اساسی، شورای نگهبان، بخش‌های عمومی و دولتی را مشخص کرده است و این محدوده نمی‌تواند گسترش یابد (هاشمی، ۱۳۹۱، ۱، ۳۸).

مطابق اصل ۴۴ قانون اساسی، بخش‌هایی که در اختیار دولت گذاشته شده است شامل کلیه صنایع بزرگ، صنایع مادر، بازرگانی خارجی، معادن بزرگ، بانکداری، بیمه، تأمین نیرو، سدها و شبکه‌های بزرگ آبرسانی، پست، تلفن و هواپیمایی، بخشی از راه و راه‌آهن و مانند آن‌هاست. در واقع تمام صنایع و معادن بزرگ و عمده خدمات تجاری و بازرگانی، عمومی و در اختیار دولت خواهد بود. در کنار بخش عظیم دولتی، قانون‌گذار اساسی، بخش تعاونی را مورد پیش‌بینی قرار داده است. که شامل شرکت‌ها و مؤسسات تعاونی تولید و توزیع است که در شهرها و روستاها بر طبق ضوابط اسلامی تشکیل می‌شود. با وصف مذکور عمده بخش‌های اقتصادی در نظام جمهوری اسلامی ایران، در اختیار دولت و یا شرکت‌های تعاونی خواهد بود. مؤید این موضوع تأکید قانون اساسی است که مقرر

کارکردهای رقابت را می‌توان این‌طور بیان کرد که رقابت نیازهای مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان را به طریقی همراه می‌کند که کالا و خدمات عرضه‌شده در درازمدت برای تقاضا کافی باشد. مکانیزم قدرت، پیش‌شرطی برای هماهنگی بهینه است که به‌طور کارا عمل می‌کند و درجه کمیابی کالا را نشان می‌دهد. از آنجاکه مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان یکدیگر را با پیروی از منافعشان کنترل می‌کنند، محدودیت قدرت اقتصادی در فرایند رقابت، درونی می‌شود. از سوی دیگر، رقابت نیروی محرک در ورای پیشرفت فناوری است و فرصت‌هایی برای تمامی شرکت‌کنندگان در بازار از جمله کارآفرینان، مصرف‌کنندگان و کارگران ایجاد می‌کند.

یکی از مهم‌ترین نتایج و آثار رقابت، افزایش کارایی است و کارایی اقتصادی از اهداف زیربنایی حقوق رقابت است. البته از کارایی تعریف دقیقی در غالب سیستم‌های حقوقی وجود ندارد. می‌توان گفت که یکی از عناصر کارساز در علم اقتصاد مسئله و پدیده کارایی و کارآمدی است (شهیکی‌تاش و همکاران، ۱۳۹۴، ۱۶۴).

در ایران بند ۶، ۹، ۱۲ اصل سوم قانون اساسی به رفع تبعیضات ناروا و ایجاد امکانات عادلانه برای همه و پی‌ریزی صحیح اقتصاد در جهت عدالت اشاره دارد. همچنین در بند ۵ اصل ۴۴ قانون اساسی، در خصوص مبارزه با انواع فعالیت‌های غیرکارآمد و غیرمشروع اقتصادی مثل منع اضرار به غیر، انحصار، احتکار، ربا و دیگر معاملات باطل و حرام تأکید شده است. با استناد به ماده ۳۵ قانون

حقوق عمومی را می‌توان در چهره حقوق رقابت معنا نمود و بدین جهت به همراهی حقوق خصوصی شتافت زیرا حقوق رقابت به‌تنهایی قادر به تصحیح کاستی‌ها و شکست‌های بازار نمی‌باشد و اصولاً چنین مسئولیتی نیز بر عهده حقوق خصوصی نمی‌باشد لذا نظم‌بخشی این حیطة بر عهده دولت می‌باشد. بنابراین ما به ابزارهایی نیاز داریم که ویژگی‌های حقوق عمومی را داشته باشد و هماهنگ با سیاست‌های اقتصادی جامعه پیش رود. لذا مقررات حقوق اقتصادی عمومی، ابزارهایی کاملاً حقوقی هستند که به اصلاح نارسایی‌ها و کاستی‌های بازار می‌پردازند و حقوق رقابت یکی از ابزارهای حقوق اقتصادی عمومی است. رقابت تحت شرایط زیر منجر به نتایج مطلوب می‌شود: ۱- ورود و خروج آزادانه به بازار ۲- آزادی تجارت و انعقاد قرارداد ۳- نظام پولی کارا ۴- حمایت از فعالیت‌های اقتصادی در مقابل اقدامات بازرگانی محدودکننده ۵- پاداش و مجازات ۶- شفافیت بازار ۷- وجود اطلاعات کامل. از سوی دیگر رقابت در طرف مصرف‌کنندگان وقتی وجود دارد که آن‌ها: ۱- قادر باشند و بخواهند درباره بازارهای شفاف آگاه شوند ۲- در تصمیم‌گیری خود آزاد باشند ۳- دارای منابع مالی باشند ۴- با انعطاف‌پذیری و به‌سرعت در مقابل اقدامات رقابتی واکنش نشان داده و یک کالا و یا عرضه‌کننده خاص را ترجیح ندهند. ۵- به دنبال حداکثرسازی مطلوبیت باشند (صادقی مقدم و غفاری فارسانی، ۱۳۹۰، ۱۲۷).

در مواردی که این پیش‌شرط‌ها برقرار باشد، رقابت می‌تواند به‌طور مؤثر واقع شود. اما آثار و

شورای اسلامی رسید و برای بررسی و عدم مغایرت با شرع و قانون اساسی به شورای نگهبان ارسال شد. شورا نیز طی ایراد به تعدادی از مواد قانون، آن را جهت تصحیح به مجلس عودت داد. در نهایت به علت حل نشدن مشکل پیش‌آمده میان مجلس و شورای نگهبان (در برخی مواد)، لایحه مزبور تحت عنوان "قانون اصلاح موادی از قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران و سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی" در تاریخ ۱۳۸۷/۳/۲۵ توسط مجمع تشخیص مصلحت نظام، موافق با مصلحت نظام تشخیص داده شد و تأیید گردید. قانون اصلاحی، شامل ۹۲ ماده و ۹۰ تبصره در ۱۰ فصل می‌باشد. که فصل نهم آن از مواد ۴۳ تا ۸۴ مربوط به تسهیل رقابت و منع انحصار می‌باشد. در مواد ۴۵ تا ۴۹ فصل نهم قانون، تعدادی از رویه‌های ضد رقابتی توضیح داده شد و از ماده ۵۳ تا ۸۴ در خصوص شورای رقابت، وظایف اعضا و اختیارات آن‌ها و برخی ضمانت‌های اجرایی انجام فعالیت‌های ضد رقابتی سخن به میان آمده است و در ادامه نیز در خصوص مرجع تجدیدنظر تصمیمات شورای رقابت، اعضا و اختیارات مواردی چند بیان گردیده است (علاء‌الدینی و شیری، ۱۳۸۷، ۱۲۵). متأسفانه تا قبل از تصویب قانون اصلاح برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران و سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی (فصل ۹ و ۱۰)، قانونی تحت عنوان "قانون رقابت" نداشته‌ایم. البته برخی قواعد

برنامه سوم، مواد ۳۸ و ۴۰ و ۴۱ بند "ه" از قانون برنامه چهارم توسعه و نیز بند ۳ سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۸۴/۳/۱، دولت مکلف به جلوگیری از انحصارات و خصوصاً تدوین لایحه تسهیل رقابت و تنظیم انحصارات گشت. در همین جهت و به‌منظور تحقق اهداف برنامه‌های دوم و سوم و چهارم توسعه (خصوصاً برنامه چهارم)، با توجه به وظایف قانونی وزارت بازرگانی و همچنین مسئولیت وزارتخانه مذکور در تدوین لوایح اصلاح قانون تجارت، قانون تجارت الکترونیک، قانون نظام صنفی، لایحه حمایت از حقوق مصرف‌کننده و...، هیات وزیران تدوین لایحه قانون "تسهیل رقابت و کنترل و جلوگیری از شکل‌گیری انحصارات" را با همکاری وزارت امور اقتصادی و دارایی به این وزارتخانه سپرد. وزارت بازرگانی با برگزاری همایش‌ها و بررسی تطبیقی قوانین سایر کشورها و نیز مدل قانون رقابت آنکتاب، چارچوب لایحه مذکور را تنظیم نمود. پس از گذراندن مراحل پژوهشی مورد اشاره، سرانجام به دلیل اینکه ایجاد رقابت و برخورد با انحصارات اعم از دولتی و خصوصی از جمله پایه‌های اساسی اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی محسوب می‌گردد، تصمیم به ادغام این لایحه با لایحه سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی گرفته شد و متأسفانه لایحه قانون رقابت با اندکی تغییر توسط وزارت امور اقتصادی و دارایی در متن لایحه سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران گنجانده شد و سرانجام در تاریخ ۸۶/۷/۹ به تصویب مجلس

و حمایت نرسیده‌اند! در صورتی که این حقوق نبین و تضمین نشود شاهد بی‌انظباطی، افزایش هزینه مبادلات و هزینه‌های اجتماعی و در نهایت سبب بروز مشکل در نظام اقتصادی خواهد شد (شریف‌زاده و نادران، ۱۳۸۸، ۱۳). یکی از ایرادات جدی که از حجم فعالیت اقتصادی مفید اشخاص می‌کاهد این موضوع است که اگر دولت در تضمین این آزادی‌ها نکوشد و از آنجایی که اشخاص غالباً قدرت تأمین این حقوق را به‌تنهایی ندارند، نخواهند توانست که فعالیت خود را ادامه دهند.

یکی از مسائلی که در نظام اقتصادی ایران محل ایراد است این موضوع است که در تأمین این حقوق اقتصادی دولت ناکارآمدی‌هایی داشته است. اقتصاد قانون اساسی توانسته است که حقوق فوق را به‌خوبی و به انسجام متناسب فضای کشور بسط دهد اما این حقوق در قوانین و در فضای اجرا به‌خوبی تضمین و تأمین نشده است. هرچقدر که دولت در تأمین این حقوق کاستی به خرج دهد به همین مثابه شاهد افزایش هزینه‌های اجتماعی در اقتصاد خواهیم بود. افزایش هزینه‌های اجتماعی جغرافیای اقتصادی سبب کاهش فعالیت‌های مطلوب و مولد اقتصادی خواهد شد. یکی دیگر از آسیب‌های غیرقابل جبرانی که در فضای اقتصاد ایران رخ می‌دهد این است که عدم تأمین این حقوق سبب می‌شود تا اشخاص حقوق خصوصی در اقتصاد کمتر از خلاقیت برخوردار باشند (کفاش و صادقی، ۱۳۹۸، ۲۵۱). هرگاه منافع مشروع خصوصی تأمین نشود، گروه‌های صاحب حق از فعالیت کمتری می‌نمایند زیرا بر ایشان ممکن

و مقررات نظام حقوقی ایران، مستقیم یا غیرمستقیم جزو حقوق رقابت محسوب می‌شوند.

۵-۳. آثار اقتصادی توسعه حقوق عمومی

توسعه حقوق عمومی اقتصادی دارای آثاری نسبت به جامعه است. در این قسمت تلاش شده به بررسی این مهم پرداخته شود.

۵-۳-۱. کمک به رشد حقوق و آزادی‌های عمومی

اولین اثر اقتصادی توسعه حقوق عمومی رشد حقوق و آزادی‌های فردی است. یکی از مواردی که در پویایی نقش بازیگران اقتصادی اهمیت فوق‌العاده‌ای دارد، اهمیت به حقوق و آزادی‌های فردی اشخاص در جامعه اقتصادی محل فعالیت اشخاص است. در واقع از جمله جنبه‌های مهم یک مسئله حقوقی این است که آیا عدم رعایت حقوق و آزادی‌های فردی سبب بروز مشکل شده است یا اینکه دخالت دولت در این حقوق بروز مشکل را دامن زده است. گاهی نیز عدم شناسایی این حقوق و فقدان یا کمبود ضمانت اجرای آن‌ها باعث بروز مشکل است. یکی از جنبه‌های بنیادین در حقوق عمومی اقتصادی، همین حقوق فردی و آزادی‌های فردی در حوزه اقتصاد است. به‌طور مثال باید پاسخ دهیم که آیا حقوق مالکیت خصوصی در نظام حقوق عمومی اقتصادی ما به‌خوبی نبین و تضمین نشده است و لذا سبب بروز مشکلات در نظام اقتصادی این موضوع است؟ یا این مهم انجام شده است ولی از حیث اجرا این حقوق به‌خوبی به اجرا

کارکرد و آثار است می‌تواند سبب بروز مشکلاتی شود (رس و تازیکی‌نژاد، ۱۳۸۷، ۳۰۹). چنانچه دولت در مقررات دولتی میزان واردات کالایی را کاهش یا افزایش دهد. آثار آن در بازار به‌صورت مستقیم اثر گذاشته، حال در صورتی که سیاست فرادست اقتصادی که در الگوی قانون اساسی بوده است رعایت شده و این صلاحیت اجرایی (اختیار قانونی) به‌خوبی انجام شده باشد حاکمیت قانون محقق شده است و شاهد ترقی نظام اقتصادی خواهیم بود. چنانچه این روند مقررات‌گذاری به‌سوی هدف اقتصادی مطرح‌شده در سند عالی قانون اساسی نباشد، شاهد هرج و مرج و مشکلات اقتصادی خواهیم بود (هداوند، ۱۳۸۷، ۴۷).

زیرساختی‌ترین مرحله شناخت سنخ یک مسئله، نگاه به مؤلفه‌های سیاست‌گذاری آن است. بدین معنا که جریان قانون‌گذاری بایستی مبتنی بر اهدافی کلان تبیین و تقنین شود. این جریان یک‌بار در شکل‌گیری ارزش‌های اساسی در فلسفه سیاسی اقتصادی در تدوین قانون اساسی قابل مشاهده است. بار دیگر این معنا در قانون‌گذاری عادی و مقررات دولتی مورد بحث است، که در این مرحله اصل رعایت قانون اساسی با ضمانت اجرا عدم پذیرش قوانینی که متعارض قانون اساسی هستند پشتیبانی می‌شود (قاضی، ۱۳۸۸، ۴۹-۴۸). حال می‌توان ارزش بنیادین سیاست‌گذاری را در اصول و قوانین مشاهده کرد در صورتی که در روند قانون و مقررات‌گذاری اقتصادی یک سیاست متناسب اتخاذ نشده باشد و روح قوانین با یک هدف‌گذاری سیراب نشده باشد، تشتت آرا در حوزه اقتصاد،

نیست که از میزان فعالیت معمول پافراتر نهد عدم تأمین آزادی کافی و از سویی عدم تناسب تلاش و پاداش سبب منزوی شدن خلاقیت بخش خصوصی است. که هیچ دولتی را تاوان جبران آن نیست. به‌طور مثال در بحث سرمایه‌گذاری در اقتصاد توسط بخش خصوصی، یکی از حقوق اولیه ملازم، حق آزادی مبادلات مشروع می‌باشد. حال اگر دولت با مقررات‌گذاری اقدام به محدودیت (فرای اقتصاد قانون اساسی) نماید و سبب کندی روابط یا خروج مبادلات اقتصادی از روند مبادلات آزاد شود. حق مالکیت انتقالی افراد و دسترسی به آن تحت شعاع قرار گرفته و در نتیجه فعالان بازار نخواهند توانست به‌خوبی به دادوستد بپردازند. این کاهش دسترسی سبب کاهش سود و ضعیف شدن شخص خواهد شد. آنچه ذکر شد صورت سلبی این حقوق بود و چنانچه دولت از شناسایی این حقوق به‌صورت ایجابی نیز خودداری کند باعث می‌شود تا فعال اقتصادی نتواند به فعالیت بپردازد و اقدام به تشکیل و شرکت در بازارهای غیررسمی نماید لذا شاهد فضای اقتصاد سیاه خواهیم بود.

۵-۳-۲. نظم و انضباط و رشد و ترقی نظام

اقتصادی

از دیگر جنبه‌های یک مسئله حقوقی که اهمیت به‌سزایی دارد، بخش کارکردها، آثار و پیامدهای مترتب و ناشی از قوانین است. گاهی این آثار ناشی از قوانین عادی است و گاهی نیز ناشی از قانون اساسی است. به‌طور مثال پیش‌بینی یک نهاد حقوقی که در نظام اقتصادی یک کشور حائز

بی‌انضباطی و عدم حاکمیت قانون نتیجه این پدیده خواهد بود. سیاست‌گذاری به در عمل (فروزنده و وجدانی، ۱۳۸۷، ۱۸۱-۱۸۰)، و بازتاب مهم‌ترین ارزش‌های یک جامعه و تثبیت‌کننده تضادها و تعارض‌های ارزش‌ها نیز هست.

نظم اقتصادی از تنظیم‌گری حقوقی ناشی می‌شود. در مفهوم عام تنظیم‌گری حقوقی، همان کارکرد و نقش حقوق موضوعه است که دولت از طریق آن وظایف و صلاحیت‌های خود را در مدیریت و اداره عمومی اعمال می‌کند. به عبارت دیگر در این برداشت دولت امور و تنظیم روابط میان بازیگران عرصه‌های مختلف را با استفاده از شیوه‌ها و ابزارهای کلاسیک قانون‌گذاری، وضع مقررات، حل اختلاف قضایی یا شبه قضایی و یا حکم به مجازات هنگام نقض قوانین و مقررات را ساماندهی می‌کند. اما تنظیم‌گری حقوقی به معنای خاص، پارادایم جدید و با کم و کیف خاص از مداخله دولت در نظم طبیعی روابط در بخش‌های مختلف حیات اجتماعی است که نخست در خصوص تعیین نسبت و روابط دولت و اقتصاد، حدود و ثغور مداخله دولت در حوزه بازار آزاد مطرح گردیده است. به عبارت دیگر، تنظیم‌گری به عنوان یک تأسیس خاص حقوقی ناظر بر یک الگوی خاص اداره امور عمومی از طریق مجموعه‌ای از روش‌ها و ابزارهای خاص است.

۵-۳-۳. توسعه پایدار در جامعه

از دیگر آثار توسعه حقوق عمومی. توسعه پایدار است. دانش بشری در انواع آن، ارتباطات و تناسبات

فراوانی با یکدیگر دارد و حقوق عمومی نیز از این قضیه مستثنی نیست و با سایر علوم ارتباطات و اختلاط‌هایی دارد. و با توجه به ماهیت تنظیم‌ساز خود در عرصه عمومی می‌تواند موفق‌تر عمل کند. امروزه دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی کنشگران و بازیگران اصلی توسعه و حق بر توسعه در دنیا هستند. استخراج و فروش نفت، احداث بزرگراه‌ها و جاده‌ها، پل‌ها و توسعه شهری و بهره‌برداری از معادن بزرگ توسط دولت‌ها و از طریق بودجه‌های عمومی صورت می‌گیرد لذا نقش مهمی برای دولت‌ها در این میان می‌توان قائل بود. آن چیزی که می‌تواند دولت‌ها را به‌عنوان بازیگران اصلی مقید به تحقق و رعایت اصول توسعه پایدار نماید، تدوین و تقنین قوانین و مقررات لازم‌الاجرا برای ضمانت این اصول می‌باشد. در حمایت و صیانت از اصول توسعه پایدار حقوق بین‌الملل قدم‌های خوبی برداشته و از ۱۹۷۰ م به این سو کنوانسیون‌های فراوانی در حمایت از اصول توسعه پایدار وضع گردیده است برای نخستین بار حمایت حقوقی از توسعه پایدار در سال ۱۹۸۳ م در مجمع عمومی سازمان ملل متحد با تشکیل کمیسیون جهانی محیط‌زیست و توسعه اتفاق افتاد (شهبازی، ۱۳۸۹، ۱۳۶). اما باید در قوانین داخلی دولت‌ها نیز این حمایت‌ها و ضمانت‌ها نمود و اثر واقعی داشته باشند در این سوی سخن مفاهیم اصول توسعه پایدار باید در ارتباط با مفاهیم حقوق عمومی توسعه‌یافته و در برنامه‌های تقنینی مجالس وارد شود و با این طریق است که می‌توان امیدوار به

تحقق عملی اصول توسعه پایدار در میان ملت‌ها بود.

تدریس و تدوین اصول توسعه پایدار در برنامه‌های آکادمیک رشته حقوق می‌تواند قانون‌گذاران و اعضای مجالس قانون‌گذاری، دولت‌ها و سازمان‌های مردم‌نهاد را به اهمیت تصویب قوانین و ضمانت اجرای حقوقی آشنا سازد و در حقوق داخلی دولت‌ها همانند استانداردهای بین‌المللی حضور و بروز داشته باشد. دیگر دوران اعلامیه‌های توصیه‌ای و اعلامی گذشته و نیاز به یک رویکرد تقنینی و حمایتی در حقوق داخلی کشورها مشاهده می‌شود. حاکمیت را عبارت می‌دانند از قدرت عالی‌ای که بر مردم یک کشور اقتدار و برتری بلامنازع دارد و همگان در داخل کشور از آن اطاعت می‌کنند و کشورهای دیگر آن را به رسمیت شناخته و مورد احترام قرار می‌دهند (هاشمی، ۱۳۸۹، ۱). با توجه به این تعریف حاکمیت بالاترین قدرت عالی‌ای است که می‌تواند بالاترین میزان ضمانت اجرا را برای اصول توسعه پایدار فراهم آورد بنابراین چه کسی یا چه نهادی باید این هدف مهم را به سرانجام برساند؟ دیدگاه ما بر این است که حقوق عمومی این نقش و وظیفه را بر عهده دارد و باید به‌عنوان یک محرک با تعمیق مفاهیم اصول توسعه پایدار در میان اذهان مقننین و کارگزاران حکومتی به تحقق اصول توسعه پایدار در میان قوانین داخلی کمک نماید. و تا زمانی که جبر و ضمانت قانونی در کنار اندیشه توسعه پایدار قرار نگیرد اجرای آن به نتیجه نخواهد رسید.

قطار تندرو توسعه باید براساس یک‌سری استانداردهای محیط زیستی، منابع طبیعی، اجتماعی و سیاسی کنترل گردد تا در بین میل پایان‌ناپذیر انسان برای توسعه و حفظ محیط‌زیست، کره زمین و بقا حیات انسان تعادل برقرار سازد و این برقراری تعادل و کنترل نیازمند نوعی حمایت و ضمانت است که دانش حقوق با توجه به ماهیت تنظیمی و حمایتی خود می‌تواند پشتوانه‌ای برای توسعه پایدار باشد از طرفی حقوق عمومی به‌عنوان یکی از شاخه‌های دانش حقوق که تنظیم ساز اقتدار و قدرت و تضمین‌کننده حقوق و آزادی‌های عمومی است و روابط بین فرمانروایان و فرمانبران را تنظیم می‌کند (قاضی شریعت پناهی، ۱۳۸۹، ۴۴). می‌تواند در تحقق اصول توسعه پایدار مؤثرتر از سایر شاخه‌های دانش حقوق باشد چرا که امروزه دولت‌ها بازیگران اصلی میدان توسعه و تهدید محیط‌زیست و منابع طبیعی هستند و بهره‌مندی از محیط‌زیست سالم در کنار توسعه یکی از حق‌های بشری است (افتخار جهرمی، ۱۳۸۸، ۹). و مجالس قانون‌گذاری به‌عنوان بازوان تقنینی حکومت‌ها و دولت‌ها می‌توانند با تصویب و تدوین قوانین منطبق با اصول توسعه پایدار به تحقق آن ضمانت اجرا حقوقی ببخشند و در سطح بین‌المللی و داخلی دولت‌ها و شرکت‌های پیمانکاری بزرگ را وادار به رعایت استانداردها و الزامات توسعه پایدار نمایند.

۶. نتیجه

حقوق اقتصادی عمومی در چارچوب حرکت خود، تحقق اهداف و اصولی را پیگیری می‌کند، که در درجه نخست و علیرغم ماهیت و اقتضای قواعد خود، تحقق حقوق بنیادینی را مدنظر قرار می‌دهد که در نگاه نخست، از اصول اساسی حاکم بر اقتصاد آزاد به شمار می‌روند. به‌طور مثال قواعد حقوق اقتصادی عمومی تضمین‌کننده حق مالکیت، حق آزادی انتخاب شغل، آزادی تجارت، حق رقابت عادلانه، آزادی قراردادی و سایر اصول تأمین‌کننده حقوق فردی است ولی با این حال هدف از وضع این قواعد در نهایت تأمین منافع عمومی می‌باشد. هرچقدر قواعد حقوق اقتصادی عمومی توسعه یابد و در راستای تأمین منافع عمومی مورد حمایت قرار گیرد تأثیر آن بر رشد و توسعه جامعه بیشتر خواهد بود. توسعه همانند درختی است که دارای شاخه‌های مختلف است این شاخه‌ها، همان اصول حقوق اقتصادی عمومی هستند برای آنکه شاهد رشد همه‌جانبه و متوازن در جامعه باشیم می‌بایست تمام شاخه‌ها شامل حقوق رقابت، حق مالکیت، بازار آزاد و آزادی و برابری به‌طور متناسب و متوازن رشد کنند.

جایگاه اصول حقوق اقتصادی عمومی مانند حمایت از مالکیت، آزادی و برابری اقتصادی، تضمین و تخصص در ایران علیرغم پذیرش حقوق اساسی اقتصادی در اصول قانون اساسی همچنان با ابهامات حقوقی مواجه است. به‌طور کلی اصول پیش رو، با مشکلاتی روبرو است از جمله در باب اصل تناسب، باوجود اقتصاد تعریف‌شده در قانون اساسی (دولتی،

تعاونی و خصوصی)، برنامه‌های توسعه، زمینه تحقق اقتصاد بخش خصوصی را فراهم نمی‌نماید. به‌ویژه شرایط موجود نمی‌تواند فرصت رقابت را به‌نحوی که در نظام تخصیصی موجود وجود دارد به شیوه‌ای حفظ نماید که تناسب و برابری حفظ شود و شاهد رقابت باشیم. همچنین برابری در همه ابعاد فرهنگی، اجتماعی و سیاسی برنامه به‌گونه‌ای نیست که براساس برابری بتوان به سمت رقابت حرکت نمود. لذا در مقام رقابت، پیش‌تازان این رابطه بیشتر حوزه‌های اقتصاد دولتی و قدرت حاکمه، عرصه را در اختیار دارند. همچنین در آزادسازی تجاری که مدنظر قانون برنامه ششم نیز می‌باشد. اصل برابری در بنیان حقوق اقتصادی عمومی به معنای مداخلاتی است که معمولاً همراه با ایجاد شرایط متفاوت به‌منظور تحقق نتایج خاص و مفروض وجود دارد. چنین راهکارهایی حداقل در سطوح اولیه دقیقاً به معنای نقض اصل برابری است. برنامه‌ها امروزه، برابری اجتماعی و اقتصادی که در برابری دسترسی به مشاغل و فرصت‌ها تعبیر می‌شود، از اساسی‌ترین وجه اصل برابری است. در واقع جریان اصلی برابری به سمت برابری اجتماعی در حال حرکت است. مضافاً آزادی مالکیت، با تهدیداتی مواجه است. اصل آزادی مالکیت با تهدیدات جدی در حوزه دارایی مواجه است و فرایند مالکیت که منجر به بیشینه شدن ثروت عمومی گردد و مکانیزمی را به دنبال داشته باشد که دارائی به سرمایه تبدیل شود را به دنبال نداشته است. قواعد حقوق رقابت که نوعی محدودیت بر بازار آزاد است، محصول گفتمان

حقوقی اقتصادهای آزاد است. زیرا نقایص بازار آزاد و قوانین حقوق خصوصی حاکم بر آن موجب به وجود آمدن قواعد عمومی و نظارتی به‌منظور تضمین رقابت عادلانه گردیده است و موجب دخالت و نظارت دولت محسوب می‌شوند. موجه- سازی حقوق رقابت در یک سطح‌مبنایی به توجیه دخالت دولت، باز می‌گردد.

۷. سهم نویسندگان

این پژوهش مستخرج از رساله دکترای حسن حمزه‌لوئی می‌باشد؛ که گردآوری مطالب و توصیف و تحلیل آن‌ها بر عهده دانشجو بوده؛ و سایر نویسندگان، دانشجو را در تجزیه و تحلیل مطالب مقاله مساعدت نموده‌اند.

۸. تضاد منافع

در این مقاله تضاد منافع وجود ندارد.

منابع

- رس، کیومرث، تازیکی‌نژاد، علی، «تحلیل اقتصادی حقوق اساسی»، فصلنامه حقوق اساسی، شماره نهم، ۱۳۸۷.
- رنایی، محسن، بازار یا نابازار، بررسی موانع نهادی کارایی نظام اقتصادی در اقتصاد ایران، چاپ اول، تهران، موسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی، ۱۳۸۹.
- شریف‌زاده، محمدجواد، نادران، الیاس، «تحلیل رویکرد اسلام در هزینه‌های مبادله (با تأکید بر نقش بازار و نهادهای حقوقی)»، مجله اقتصاد اسلامی، شماره سی و ششم، ۱۳۸۸.
- شهبازی، آرامش، «توسعه پایدار پایداری توسعه»، مجله حقوقی مرکز امور حقوقی و بین‌الملل ریاست جمهوری، شماره چهل و دوم، ۱۳۸۹.
- شهیکی تاش، محمد نبی، محمودپور، کامران، محسنی، حدیثه، «بررسی عوامل تأثیرگذار بر شاخص رقابت‌پذیری کشورها با تأکید بر اقتصاد ایران»، سیاست‌های مالی و اقتصادی، شماره یازدهم، ۱۳۹۴.
- صادقی مقدم، محمد حسن، غفاری فارسانی، بهنام، «روح حقوق رقابت (مطالعه تطبیقی در اهداف حقوق رقابت)»، مجله حقوقی دادگستری، شماره هفتاد و سوم، ۱۳۹۰.
- علاء‌الدینی، امیرعباس، حقوق رقابت (در آینه تحولات تقنینی)، چاپ اول، تهران، مجد، ۱۳۹۱.
- احمدزاده بزاز، سید عبدالمطلب، «قانون اساسی و اصل آزادی تجارت»، مجله کتاب ماه علوم اجتماعی، شماره سی و چهارم و سی و پنجم، ۱۳۷۹.
- افتخار جهرمی، گودرز، «حقوق بشر محیط‌زیست و توسعه پایدار»، مجله تحقیقات حقوقی، شماره پنجاهم، ۱۳۸۸.
- باقری، محمود، «اقتصاد مبتنی بر بازار و کاستی‌های حقوق خصوصی»، مجله پژوهش حقوق و سیاست، شماره بیست و سوم، ۱۳۸۵.
- بیات‌کمیتکی، مهناز، موهبتی، احسان، «حکمرانی خوب به‌مثابه هدف مشترک حقوق عمومی و توسعه»، نشریه پژوهش‌های حقوقی، شماره چهل و نهم، ۱۴۰۱.
- پروین، خیرالله، صانعی، مهدیه، «تحلیل حقوقی مداخله یا عدم مداخله دولت‌ها در نظام توسعه در حقوق اقتصادی عمومی»، مجله مطالعات حقوق عمومی، شماره اول، ۱۳۹۹.
- پروین، خیرالله، مبانی حقوق عمومی، چاپ اول، تهران، انتشارات سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، ۱۳۹۳.
- دستو، هرناندو، راز سرمایه (چرا سرمایه‌داری در غرب موفق می‌شود و در جاهای دیگر شکست می‌خورد؟)، چاپ اول، تهران، نشر نی، ۱۳۸۵.

- علاء‌الدینی، امیرعباس، شیری، مهرزاد، «قواعد حقوق رقابت در ایران و تحولات آن در پرتو سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی»، قضاوت، شماره هشتاد و هفتم، ۱۳۸۷.
- فروزنده، لطف‌الله، وجدانی، فؤاد، «سیاست‌گذاری عمومی چیست؟»، مجله اقتصاد سیاسی، شماره چهل و نهم، ۱۳۸۷.
- قاضی، ابوالفضل، بایسته‌های حقوق اساسی، چاپ سی و پنجم، تهران، نشر میزان، ۱۳۸۸.
- قاضی شریعت پناهی، ابوالفضل، بایسته‌های حقوق اساسی، چاپ سی و هفتم، تهران، انتشارات میزان، ۱۳۸۹.
- کاتوزیان، ناصر، پیلووار، رحیم، «مالکیت و آزادی»، فصلنامه حقوق (مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی)، شماره اول، ۱۳۹۳.
- کفاش، ملیکا، صادقی، محمد، «بررسی تحلیلی تضمینات آزادی اقتصادی در نظام حقوق عمومی ایران (با تاکید بر برنامه‌های پنج ساله توسعه اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی)»، پژوهشنامه بازرگانی، سال بیست و سه، شماره نود و سوم، ۱۳۹۸.
- مهرپور، حسین، مختصر حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، چاپ پنجم، تهران، نشر دادگستر، ۱۳۹۳.
- مؤذنی، روح‌الله، حقوق عمومی اقتصادی مطالعه تطبیقی ایران و فرانسه، چاپ اول، تهران، مجد، ۱۳۹۳.
- مؤذنی، روح‌الله، اصول حقوق عمومی اقتصادی، چاپ دوم، تهران، مجد، ۱۳۹۱.
- ویژه، محمدرضا، مهدوی زاهد، مهدی، «آسیب‌شناسی آموزش و توسعه‌ی حقوق عمومی در ایران به مثابه دانشی راهبردی»، مجله راهبرد، شماره هفتاد و ششم، ۱۳۹۴.
- ویژه، محمدرضا، «تحلیلی بر تدوین و اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران از دیدگاه حقوق عمومی اقتصادی، فصلنامه علمی تخصصی حقوق عمومی»، شماره‌های ششم و هفتم، ۱۳۸۸.
- هاشمی، سید محمد، حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، جلد اول، چاپ یازدهم، تهران، انتشارات میزان، ۱۳۹۱.
- هاشمی، سید محمد، حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، تهران، چاپ بیست و یکم، انتشارات میزان، ۱۳۸۹.
- هداوند، مهدی، «درآمدی بر مقررات‌گذاری اقتصادی»، نشریه مجلس و پژوهش، شماره پنجاه و ششم، ۱۳۸۷.